

۹۹ اگر چه برجام به عنوان بخشی از قطعنامه آورده شده است، در ذیل بخش تحریم‌ها در برجام ذکر شده است که: «مفاد قطعنامه به منزله این برجام نیست»؛ بنابراین مقصود از صدور قطعنامه لغو قطعنامه‌های قبلی بوده و برای جلوگیری از تکرار، برجام را ضمیمه کرده و با عبارت صریحی که در ذیل تحریم‌ها در برجام آمده است، حیثیت حقوقی برجام را از قطعنامه جدا کرده است. ۶۶

به اعتبار توافقات ثابت لطمه‌ای وارد نشود. در واقع پیش‌بینی شده است به مجرد اینکه برجام اجرایی شود و احتمالاً مکانیسم بازگشت‌پذیری و به تبع آن اعمال مجدد تحریم‌ها اتفاق افتاد، به قراردادهایی که در این دوره منعقد شده است خدشه‌ای وارد نشود؛ به عبارت دیگر، به اصل عطف به ما سبق نشدن اعمال تحریم‌های سابق به قراردادهای موجود اشاره می‌کند. در همین خصوص، طول عمر نظام حل‌وفصل اختلافات برجام نیز مناقشه‌برانگیز است. از یک طرف قطعنامه اعلام می‌کند که پس از ۱۰ سال به شرط اینکه در این مدت از سازوکار بازگشت‌پذیری استفاده نشود، کلیه تحریم‌ها و قطعنامه‌های تحریمی و خود قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه می‌یابد و وضعیت ایران از شورای امنیت خارج خواهد شد، اما از طرف دیگر به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ برجام نظام حل‌وفصل اختلافات به ۲۵ سال تسری یافته است. در بند هشتم قطعنامه مرقوم شده است که با سپری شدن ۱۰ سال از زمان تصویب برجام، مقررات قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه می‌یابد و هیچ‌کدام از مقررات قطعنامه‌های مندرج در بند ۷ قطعنامه‌های تحریمی خاتمه‌یافته اعمال نخواهد شد؛ بنابراین می‌توان بر این نظر بود که فرض تدوین‌کنندگان این بند از قطعنامه و همین‌طور بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام آن بوده است که لایه سوم مکانیسم حل اختلاف را به ۱۰ سال محدود کند، زیرا کاملاً غیرمنطقی خواهد بود که از سویی اعلام شود ایران ۱۰ سال پس از ایفای تعهدات مقرر به موجب برجام از شورای امنیت خارج خواهد شد، اما از سوی دیگر، همچنان مکانیسم حل اختلاف برجام شامل امکان بازگشت‌پذیری

قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را به بعد از ۱۰ سال تسری دهیم، زیرا ترجمه بند ۲۶ پیوست ۵ برجام چنین اشعار می‌دارد: «خاتمه‌هایی که در این پیوست شماره پنج تشریح شده است، فارغ از سایر تعهدات برجام است که ورای چنین تاریخ‌های خاتمه‌ای ادامه خواهند یافت».

۵. تمایز مفاد قطعنامه با مفاد برجام

قطعنامه و برجام دو سند جداگانه و از نظر ماهیت متفاوت‌اند و الزام‌آور بودن برجام فقط ناشی از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیست، مؤید این مطلب بند ۱۸ برنامه جامع اقدام مشترک است که به‌صراحت در پانوشتن متن برجام تأکید شده است: «مفاد این قطعنامه (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) به منزله مفاد این برجام نیست». برجام یکی از پیوست‌های قطعنامه شورای امنیت دانسته و در متن برجام به لزوم تصویب قطعنامه اشاره شده است، اما الزامات ذکر شده در قطعنامه فقط تعهدات توافق شده در برجام نیست و شامل موضوعات دیگری نیز می‌شود در واقع، نقض قطعنامه به منزله نقض برجام نیست، اما نقض برجام محتمل است به معنای نقض قطعنامه باشد، زیرا در حالت کلی هدف اصلی قطعنامه علاوه بر رفع تحریم‌ها، تضمین حسن اجرای برجام است.

«کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن» نیز این موضوع را به این شرح تأیید می‌کند: اگر چه برجام به عنوان بخشی از قطعنامه آورده شده است، در ذیل بخش تحریم‌ها در برجام ذکر شده است که: «مفاد قطعنامه به منزله این برجام نیست»؛ بنابراین مقصود از صدور قطعنامه لغو قطعنامه‌های قبلی بوده و برای جلوگیری از تکرار، برجام را ضمیمه کرده و با عبارت صریحی که در ذیل تحریم‌ها در برجام آمده است، حیثیت حقوقی برجام را از قطعنامه جدا کرده است. استدلال تیم مذاکره‌کننده درباره ابهامات موجود پیرامون نسبت برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ و تأثیر نقض مجزای هر یک در دیگری، مبنی بر اینکه لغو برجام به منزله ضمیمه الف قطعنامه ۲۲۳۱، معادل نقض قطعنامه است، اما نقض قطعنامه و مشخصاً ضمیمه b آن نقض برجام نخواهد بود، فارق از تبعات منفی نقض

قطعنامه، برای کمیسیون مورد قبول و مسموع بود و دولت محترم باید در مناسبات اجرایی برجام به این نکته توجه داشته باشد. نکته مهم این است که در مرحله حقوقی و اجرایی توافق نهایی، ملاک متن برجام است نه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ به عبارت بهتر، آنچه توافق نهایی را برهم می‌زند، تخطی یا عدول طرف مقابل (دولت‌های ۵+۱) از متن برجام است نه قطعنامه ۲۲۳۱.

۶. قطعنامه به مثابه سازوکار اجرایی برجام

نکته درخور توجه این است که دولت‌های ۵+۱ به ارائه پیش‌نویس قطعنامه و تصویب آن در شورای امنیت به منزله یکی از شرط‌های روزنهایی شدن برجام و در نهایت میل به تصویب برجام متعهد شده‌اند. این موضوع بحث‌هایی را به وجود آورده است: سازمان ملل متحد یک سازمان دارای شخصیت حقوقی عینی بین‌المللی است، چگونه تعدادی از دولت‌ها به‌صرف اینکه بخشی از آن‌ها عضو شورای امنیت هستند، تعهداتی را از بیرون به یک سازمان بین‌المللی دارای شخصیت تحمیل می‌کنند یا تعهداتی را به‌منظور ایفای وظایف یکی از ارگان‌ها بر عهده می‌گیرند، سابقه و پیشینه‌ای در این زمینه وجود ندارد. در واقع این دولت‌ها قبول کرده‌اند که در شورای امنیت قطعنامه‌ای را به تصویب بگذارند. بر فرض اگر چنین قطعنامه‌ای رأی نیابد، چه آن‌که ماده ۲۷ منشور، رأی نه عضو شورای امنیت شامل ۵ عضو دائم را برای تصویب قطعنامه‌ها لازم می‌داند، طبیعی است که این سناریو به لحاظ حقوقی قابل تصور بود که چنین قطعنامه‌ای از طرف ۵+۱ در شورا، پیش‌نویس و مطرح و با عدم اقبال اعضای غیردائم روبه‌رو شود.

در واقع دولت‌های ۵+۱ از طریق ارائه پیش‌نویس و تصویب این قطعنامه تعهد خود را موجب بند ۷ آن به خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی سابق عملیاتی کردند، بنابراین از منظر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازوکاری برای اجرای تعهدات مندرج در برجام بوده است که بر دوش دولت‌های ۵+۱ گذارده شده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد خروج پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت است. بند